

طراحی تحلیل جامعه‌شناختی هوشمندی زنانه (مکر) در داستان‌های عامیانه فارسی عصر قاجار بر مبنای کتاب ادبیات مکتب‌خانه‌ای

هما زنجانی‌زاده^۱

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

فهیمة حسین‌زاده^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

هدف این مقاله جنسیت‌زدایی از واژه «مکر» در روایات مردسالارانه، از هوشمندی و چاره‌اندیشی زنان است. اساس کار این پژوهش، کتاب ادبیات مکتب‌خانه‌ای است که هفتاد قصه عامیانه فارسی زمان قاجار را گردآوری کرده است و بازتاب گفتمان فکری - فرهنگی این دوره است. از بین این داستان‌ها بیست‌ودو داستان را که به موضوع مکر در آن‌ها بیشتر پرداخته شده است، انتخاب کردیم. مسئله مقاله حاضر آن است که چرا مکر بیشتر به زنان اختصاص داده شده است و دلایل زنان برای ابراز و اظهار مکر چیست. در این تحقیق از روش کیفی و فن تحلیل محتوا براساس نظریه‌های جامعه‌شناختی استفاده شده است. در این پژوهش پس از بررسی مصادیق مکر در داستان‌ها مشخص شد که خوانش مردسالارانه و زن‌ستیزانه، چاره‌گری و زیرکی زنان را که بیشتر فعالیتی واکنشی و طبیعی است، به مکر تعبیر می‌کند درحالی‌که تدبیر مردانه را زیرکی می‌داند.

واژگان کلیدی

هوشمندی زنان، مکر، ادبیات مکتب‌خانه‌ای، قاجار، جامعه‌شناختی، نقد فمینیستی.

۱. homa009@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: fhz.17757@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱

مقدمه و بیان مسئله

ادبیات مکتب‌خانه‌ای یکی از حلقه‌های سیر آموزش در ایران است که از زمان صفویه به دلیل گسترش صنعت کاغذنویسی و نسخه‌برداری رواج یافت و در دوره قاجار با گسترش صنعت چاپ سنگی، تعداد بیشتری از قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه با عنوان کتاب‌های «بچه‌خوانی» در دسترس کودکان قرار گرفتند. این قصه‌ها علاوه بر جنبه‌های سرگرم‌کننده و سوادآموزی، به تدریج وارد گنجینه ذهن و زبان و زندگی مردم شدند. بررسی متونی که در مکتب‌خانه‌ها مبنای آموزش بوده‌اند، مبین این امر است که مبنای آموزش و پرورش بر چه اصولی استوار بوده است. ادبیات عامیانه به عنوان سندی تاریخی و مردم‌شناسانه یکی از شاخه‌های مهم فرهنگ مردم است که به صورت شفاهی به وسیلهٔ روایانی گمنام از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. پیوند این نوع از ادبیات با واقعیت‌های زندگی عادی مردم، بازتابی از زندگی اجتماعی است که می‌تواند مبنای تحقیقات و بررسی‌های جامعه‌شناختی باشد و همچنین مایهٔ اصلی ادب رسمی مؤثر در آفرینش و خلق آثار ادبی است (ذوالفقاری، ۱۳۹۴).

ادبیات عامیانه دوره قاجار (به عنوان دوره گذار از سنت به سمت تجدد) چه از نظر حجم و کمیت و تنوع و چه از نظر عناوین، تأثیر شگرفی بر دیدگاه‌های عامه مردم بر جای گذاشت آن هم درست در دوره‌ای که بلافاصله به عصر تجدد منتهی شد (مزدایور، ۱۳۸۹). همچنین این دوره نقطه عطف و بزنگاه مهمی در گذرگاه تاریخی زنان به شمار می‌آید و سرآغاز فصل جدیدی برای زن ایرانی است (کدیور، ۱۳۹۶).

کتاب *ادبیات مکتب‌خانه‌ای* (۱۳۹۱) نوشته حسن ذوالفقاری و محبوبه حیدری است که شامل بخش مهمی از ادبیات عامه است. در این کتاب هفتاد قصهٔ عامیانه، به دو شکل نظم و نثر و با محتوای تعلیمی، دینی، طنز، اخلاقی، سرگرمی، اجتماعی و... نوشته شده‌اند که اغلب بدون تاریخ و نام نویسنده یا روای هستند. حضور زنان در این قصه‌ها کمتر در هیئت قهرمان و بیشتر به عنوان انگیزه‌ای برای سفر قهرمان، در پیشبرد جذاب روایت، پررنگ و قابل بازنگری است. نقش‌های گوناگون اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، حقوقی، آموزشی) زنان در این داستان‌ها مبین نوع و میزان پذیرش حضور زن در جامعهٔ زمان بیان داستان است که پرداختن به هر

گوشه آن روشنگر نگرشی است که بر حضور تفکر مردسالارانه تأکید می‌کند. «مکر» یکی از جلوه‌های بروز نقش سیاسی زنان در جامعه است که به‌عنوان صفتی زنانه، یکی از بن‌مایه‌های اصلی و فرعی قصه‌هاست. زنان هم مانند مردان برای پیشبرد اهداف خویش یا حفظ جان و مال و آبرو نقشی فعال در روند داستان دارند. راویان، بنا بر زمان، مکان و مخاطب، با استفاده از واژه‌ها، استعارات، تشبیهات و تصاویری که اقتضای نمایش چهره‌ای عوام‌پسند از زن است، روایت را ساخته و پرداخته‌اند. «مکر» و واژه‌های هم‌راستای آن مانند «حقه»، «حیله»، «فریب» و «ترفند» عموماً برای چاره‌گری زنان استفاده می‌شود و جنسیتی زنانه یافته است. بررسی این مسئله در بعد اجتماعی و نقد و تحلیل آن در حوزه گفتمانی ادب عامه، ضرورت بازناندیشی و بازنگری در کاربرد درست واژه‌ها بدون رویکرد جنسیت‌محور را نشان می‌دهد که این مسئله در پردازش زبان داستان و پیرایش آن از الفاظ زن‌ستیزانه و مردسالارانه کاربردی است.

هدف ما از این تحقیق، جنسیت‌زدایی از واژه مکر و نشان‌دادن هوش و تدبیر زنان در مواجهه با رخدادهاست، اما به‌دلیل استفاده زیاد و محوری واژه «مکر» برای چاره‌اندیشی‌های زنان در متن مذکور، از کاربرد آن ناگزیریم. سعی ما بر آن است نشان دهیم انتخاب این واژه برای زنان به‌طور خاص کاملاً به عمد و محصول جامعه مردسالار است که نگرشی منفی به زن دارد.

روش این کار تفسیر محتوای داده‌ها با استفاده از روش کیفی و فن تحلیل محتوا بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناختی و نقد فمینیستی است. ذکر کردنی است که در روش کمی مدل تحقیق، مدل نظری است و طبعاً دارای فرضیه است اما در روش کیفی مدل تحقیق مدل مفهومی است که فقط سوال و پرسش دارد و فرضیه ندارد. ما پس از مطالعه هفتاد قصه ادبیات مکتب‌خانه‌ای، قصه‌هایی که موضوع «مکر» در آن‌ها بیشتر آمده است، برگزیدیم و تعداد بیست‌ودو داستان را بررسی کردیم.

هدف ما این است که نشان دهیم که مکر بیشتر به چه کسانی نسبت داده شده است (فریب‌دهندگان و فریب‌خوردگان چه کسانی هستند)؟ این افراد مکر را در چه حوزه‌هایی (از

نظر اجتماعی) به کار برده‌اند؟ مکر، چگونه، چرا و از چه راه‌هایی نمودار شده است؟ و نهایتاً اینکه آیا کاربرد واژه «مکر» در همه‌جای قصه‌ها سزاوار بوده است یا می‌توان جایگزین مناسبی برای آن یافت؟

پیشینه پژوهش

مکر زنان، موضوعی است که بازتاب آن در ادبیات عامیانه فراوان است. چه کتاب‌هایی که به‌طور خاص در بخش‌هایی به این موضوع پرداخته‌اند مانند *سندبادنامه*، *بختیارنامه*، *بدایع‌الوقایع*، *نه منظر*، *طوطی‌نامه*، *منظومه‌ی عضد یزدی*، *جوامع‌الحکایات عوفی*: باب ۲۵ مکرهای زنان، *کلیده و دمنه*، *هزار و یک شب*، *حیل‌النساء*، *مکرالنساء* و... و چه داستان‌هایی که این موضوع را در حاشیه عنوان کرده‌اند.

یکی از مقاله‌هایی که می‌تواند پیشینه پژوهش ما باشد، مقاله «تحلیل ساختاری مکر و حیلۀ زنان در قصه‌های هزار و یک شب» از خراسانی، مزدپور و ذنوبی (۱۳۸۹) است که با توجه به اشتراک برخی داستان‌های مکتب‌خانه‌ای با داستان‌های هزارویک شب، ممکن است به موارد مشابهی برسیم. نویسندگان در این مقاله پس از بررسی پنجاه داستان از داستان‌های هزارویک شب که به مکر زنان اختصاص یافته‌اند، ۱۱۵ مورد از انواع مکر زنان را طبقه‌بندی کرده و دلایل مختلف بروز مکر را ذکر کرده‌اند و این دلایل را در دو طبقه کنشی و واکنشی جای داده‌اند. اما نویسندگان در این مقاله مکر را به‌عنوان عملی زنانه پذیرفته‌اند و دیدگاه انتقادی نسبت به این موضوع ندارند. ابراهیمی (۱۳۸۸) در مقاله «چاره‌گری زنانه در هزار و یک شب» به این نتیجه می‌رسد که مکر زنان نوعی هوشمندی و تدبیر است که واکنشی انتقام‌جویانه در برابر مردان در جامعه مردسالار است. که البته ما در این مقاله گستره وسیع‌تری از کنش و واکنش را بررسی کرده‌ایم. کریم‌زاده اصفهانی و وره‌رام (۱۳۹۵) در «تحلیل داستان "مکر سه زن مکار با قاضی و شحنه و محتسب" از منظر تحلیل گفتمان انتقادی» مکر زنان را یک واکنش می‌داند که محصول فشارها و محدودیت‌های مردسالاری است. مارگارت میلز در مقاله

«مکر زن و راویان مرد» با ارائه دو قصه از یک راوی مرد نشان می‌دهد که چگونه راویان مرد می‌توانند در تعریف شخصیت‌ها و اعمال آنان، مدافع و محافظ اهداف جامعه مردسالار باشند. این مقاله را لاله خسروی (۱۳۹۱) ترجمه کرده است. چندین مقاله هم در موضوع معنای مکر نگاشته شده‌اند که در بخش نظری این تحقیق از آن‌ها بهره می‌بریم.

این پژوهش هم از لحاظ پیکره‌متنی تازه است و هم سعی دارد تا با رویکردی جامعه‌شناسانه به مقوله مکر زنان، جایگزین مناسبی برای واژه مکر بیابد تا این بازناندیشی به سمت بازنویسی با ذهنیتی برابر درباره چاره‌اندیشی‌های زنان و مردان میل کند.

ملاحظات نظری

تعریف مکر

در لغت‌نامه دهخدا، مکر: فریب، ریو، تنبل و حيله و خدعه و فریب‌دادگی و تزویر و ریا و دورویی و غدر (ناظم‌الاطباء) است. در واقع مکر، منصرف کردن انسان از مقصد خود با حيله است که اگر به قصد خیر باشد پسندیده و اگر به قصد شر باشد ناپسند است. مکر را «عکس‌العمل‌های غریب زنانه» هم گفته‌اند (نادری، ۱۳۹۳).

نظریه جامعه‌شناختی فمینیستی و ارتباط جنسیت و زبان

ما در این تحقیق از سه عنصر نظریه جامعه‌شناختی که جانیت چافتز^۱ عنوان کرده‌است، بهره برده‌ایم: ۱. در این نظریه جنسیت موضوع اصلی است و نظریه فمینیستی در جستجوی دریافت ماهیت جنسیتی همه روابط اجتماعی است؛ ۲. روابط جنسیتی به عنوان یک مسئله در نظر گرفته شده است و در جستجوی فهمیدن این مسئله است که چگونه جنسیت به نابرابری اجتماعی، تنش‌ها و تضادها مربوط می‌شود و ۳. روابط جنسیتی طبیعی و غیرقابل تغییر در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه به عنوان وضعیت مبتنی بر جنسیت، حاصل نبردهای تاریخی و اجتماعی

1 . Janet Chafetz

فرهنگی است که توسط انسان‌ها در طول تاریخ ایجاد شده‌اند و دائماً در حال شکل‌گیری اند و می‌توانند توسط عوامل انسانی تغییر کنند (چافتز، ۱۹۸۸). بنابراین جنسیت می‌تواند منشأ ستم و نابرابری در ساختار جامعه پدرسالار و نهادهای آن باشد. چنان‌که قراردادهای زبانی و واژگان شناخته شده انسانیت را مساوی با مردان قرار می‌دهند. مردان بر نهادهایی که زبان را کنترل می‌کنند تسلط دارند (مک‌کانل جینت، ۱۳۸۲). سروری نرینگی که بعضی آن را «مردسالاری» و یا نظام «پدرسالار» معنا کرده‌اند فقط نوعی تسلط نیست بلکه نظامی است که خواه آشکار و خواه نهان، تمام مکانیسم‌های نهادی و ایدئولوژیکی در دسترس خود مانند حقوق، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، آموزش و پرورش و غیره را به‌منظور تحقق سلطه مردان بر زنان بکار می‌گیرد (میشل، ۱۳۸۶).

استفاده از کلیشه‌های جنسیتی منفی درباره زنان در قصه‌ها از عوامل تبعیض میان جنس‌هاست که صفات و توانایی‌هایی را به زنان اختصاص می‌دهد که در مردان نیست و برعکس. درواقع قصه‌ها می‌توانند با رواج کلیشه‌سازی مانع از شکوفایی توانایی‌های زنان و مردان بشوند (سفیری و منصوریان راوندی، ۱۳۹۴).

یافته‌های تحقیق

۱. زنان فریب‌کار و مردان فریب‌خورنده

مکر عملی است که دو طرف در بروز آن نقش دارند؛ فرد/گروهی که مکر را به او نسبت می‌دهیم و فاعل است که او را مکار یا فریب‌دهنده گویند؛ فرد/گروه مفعول که مکر روی او واقع می‌شود که فریب‌خورنده است. در این داستان‌ها که در فضای مردسالار روایت شده‌اند، عمل مکر بیشتر به زنان نسبت داده شده و لفظ مکار به‌عنوان صفتی زنانه تلقی شده است. در صورتی که بسیار پیش می‌آید که مردان هم برای رسیدن به مقاصد مختلف خود از راه‌کارهای زیرکانه و هوشمندانه بهره می‌برند اما برای آنان از لفظ مکر به‌عنوان یک هنجار استفاده نمی‌شود؛ اما هرگاه یک زن همان عمل را انجام می‌دهد، او را فریب‌کار و مکار می‌نامند. حتی گاهی که مردی از شیوه مکر و فریب استفاده می‌کند، عمل او را زنانه می‌دانند: سرهنگ و وزیر

او برای ورود به سرزمین بیگانه خود را به دروغ و مکر، مسلمان جا می‌زند و بعد فرد مقابل آنان را سرزنش می‌کند که «چون زنان مرا به مکر گرفتی!» (ذوالفقاری و خراسانی، ۱۳۹۱). در «جبرئیل جولا» درودگر برای رسیدن به زن محبوبش، رقیب خود (نساج) را با ساختن صندوق چوبی از میدان به در می‌کند. نساج می‌گوید: «درودگر با من حیلت کرده مرا آواره کرد» و نساج هم وقتی به قصر دختر شاه عمان فرود می‌آید، به دروغ خود را جبرئیل معرفی می‌کند و دختر را تصاحب می‌کند که در اینجا راوی از عبارت مکر یا حيله استفاده نمی‌کند (همان: ۸۴۵). این شیوه دروغ‌گویی برای رسیدن به معشوق را زنان هم چون مردان به کار می‌برند. در «شاهزاده شیرویه»، سیمین به دروغ به سرهنگ می‌گوید شیرویه برادرش است تا او را ببیند و با وعده و وعید عروسی با سرهنگ را عقب می‌اندازد و با شیرویه دیدار می‌کند (همان: ۱۶۹۸). وقتی راوی از زبان زن حکایت می‌کند، مکر مردانه بروز بیشتری می‌یابد: «این حرام‌زاده (بلال) ما را به مکر و حيله اینجا آورده» (همان: ۱۷۸۳). در «جواهرالعقول» در برخی قصه‌ها به حيله مردان اشاره شده است؛ اما استفاده از لفظ «زیرک» به جای «مکار» و «حيله‌گر» آن‌هم برای کنشی منفی عجیب است. در حکایت «معلم زیرک و روستائیان» مرد معلمی با استفاده از عوام‌فریبی روستائیان مدتی برای رفع امورات اقتصادی خود مردم روستا را فریب می‌دهد و پول هنگفتی از آنان به جیب می‌زند. در این جا راوی از واژه مکر یا مترادفات آن استفاده نمی‌کند بلکه می‌گوید: «جماعت صوفیه چنین کسانی که به هیچ مردم را از راه بدر می‌برند». راوی آن جماعت را «کودنان بی‌عقل» می‌خواند و معلم را «زیرک!» (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱). در حکایت «اعتماد پادشاه بر غلام هندی» هم با این‌که غلام به شاه خیانت می‌کند، در همان ابتدا او را «زیرک و دانا» معرفی می‌کند (همان). در حکایت دیگری، پادشاه و وزیر هر دو زیرک‌اند و وزیر از پادشاه نیرنگ می‌آموزد. در این داستان از واژه «نیرنگ و فریب» معادل با زیرکی برای مردان استفاده شده است. البته در همین قصه، زنی که عاقله و زیرک است به نیرنگ شاه و وزیر پی می‌برد. انگار که دست زنان در تدبیر و نیرنگ همیشه بالای دست مردان است (همان).

اما از نظر راویان قصه زنان هر چقدر هم که نکته‌دان و زیرک باشند، از مکاری و حيله‌گری

آنان است:

در آن بازار دیدش پیرزالی ظریفی، نکته‌دانی، خوش‌خصالی
که در هنگام مکر و حيله‌کاری زمین و آسمان بر هم بداری (همان: ۲۴۲).
در این‌جا پیرزن نقش مثبت میانجی دارد و به دختر یاری می‌دهد.

فقط زنان نیستند که با عشوه‌گری و زیبایی دل مردانی را که می‌خواهند نرم می‌کنند (همان: ۱۵۰۷، ۱۸۳۷، ۲۰۰۹، ۲۱۵۷)، مردان هم گاهی با حيله و نیرنگ و بیشتر با خشونت، زنی را که می‌خواهند تصاحب می‌کنند. در حکایتی از «جواهرالعقول» قاضی خیانتکاری با فریب و حيله، کنیز تاجری را صاحب می‌شود. «تیر عشق کنیز بر سینه قاضی تا پیکان نشست و در فکر این بود که کنیز را به چه حيله‌ای در تصرف درآورد» (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱). اما با زیرکی پس‌رکی بازیگوش گناهِش آشکار شده و مجازات می‌شود. در این‌جا عمل قاضی کنشی منفی در راستای کامیابی و هوس است و عمل پس‌ریچه واکنشی مثبت جهت گره‌گشایی است. گاهی هم فریب‌کار و فریب‌خورنده هم‌جنس‌اند: مکالمهٔ عزیز با شاهزاده (هر دو مرد): «ای نامرد کمتر از زن، گناه من چه بود که مرا به مکر و حيله گرفتی و در بند کردی!» (همان). البته در همین مکالمه هم نگرش محقرانه مرد نسبت به زن و چسباندن مکر به زن بارز است.

جدول فراوانی فریب‌دهنده و فریب‌خورنده

موفقیت	فراوانی	فریب‌خورنده	فریب‌دهنده
۲۱	۲۳	مرد	زن
۷	۸	مرد	مرد
۱	۳	زن	زن
۲	۳	زن	مرد

جدول بالا نشان می‌دهد که طبق دیدگاه تحقیرآمیز راویان داستان‌ها نسبت به زن، نسبت دادن عمل مکر به زنان فراوانی بیشتری دارد که اتفاقاً این تدبیراندیشی‌های زنان موفقیت‌آمیز هم هست.

۲. مکر، واکنش زیرکانه زنان

مکر تدبیری کنشی یا واکنشی است که به علل مختلفی ابراز و اظهار می‌شود. فعال‌بودن در برابر حوادث قصه و واکنش نشان‌دادن نسبت به رویدادها، عملی منطقی است که از قهرمانان قصه‌ها و شخصیت‌های آن‌ها سر می‌زند. همچنان که عیاران به‌ناچار گاهی تن به دروغ و فریب می‌دهند اما دروغ‌های آنان شیرین‌کاری تلقی می‌شود و دروغ‌های زنان حقه‌بازی. نظام مفاهیم اجتماعی هم به‌ناچار زنی را می‌آفریند که طبق نیاز مردان به اغواهای زنانه و دلبری‌های مردپسند، خلق می‌شود. دختر خردسال، در چنگال بایدها و نبایدها به‌خوبی می‌آموزد که بنابر میزان هوشمندی و سلامت خود در انطباق با محیط، راه خود را در میان آنچه باید کرد و آنچه نباید کرد معلوم دارد. وی در عمل برمی‌گزیند که چه باید باشد، چه بکند و چطور زرنگ باشد. زن فعال زیرک، اجباراً در محیط زیست انسانی اجتماعی خود، برای رهایی از بن‌بست‌های زور و فشار و تهدید، به چاره‌گری می‌پردازد (خراسانی و دیگران، ۱۳۸۹).

عواملی چون: فشارهای حاکمیت بی‌چون و چرای مردان بر زنان، مسائل اقتصادی، بی‌سلاح بودن زنان در برابر مردان، ضعف قوای بدنی زنان نسبت به مردان است که سبب تحقیر زنان و محرک آنان برای حرکت به سوی مکر و فریب و حيله‌گری می‌شود (سجادی و حسنی جلیلیان، ۱۳۸۷). زنان هم بی‌کار نشستند؛ حفظ جان، آبرو، مال، همسر (معشوق) و فرزند یا دیگری از واکنش‌های مثبتی است که زنان را در برابر رفتار جنسیت‌زده مردان به تدبیر وامی‌دارد تا از منافع فردی و خانوادگی خود دفاع کنند. در «جواهرالعقول» دختر شخصیتی زیرک و فعال است. تن به ازدواج اجباری نمی‌دهد. شب عروسی داماد ناخواسته را فریب می‌دهد و از حجله با معشوقش فرار می‌کند. در راه کشتی‌بان به او طمع می‌ورزد. دختر با وعده و وعید از چنگ او می‌رهد. در شهر پادشاه به فکر تصاحب وی است. دختر وفادار با خویشتن‌داری و زیرکی پادشاه را قانع می‌کند و به وصال معشوق می‌رسد (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱). در «چهار درویش» (همان: ۹۹۰)، «خاورنامه» (همان: ۱۲۸۹)، «نوش‌آفرین» (همان: ۲۲۸۸)، «نه تو نه اون...» (همان: ۲۳۹۷) هم زنان برای حفظ جان تدابیری می‌اندیشند که در قالب مکر بازنمایی می‌شود. در «دزد و قاضی» زن قاضی با زیرکی اموال شوهرش را

حفظ می‌کند (همان: ۱۴۴۳).

اما در جامعه مردسالاری که مرد نان‌آور است و متصدی شغل‌های تولیدی و خدماتی، زنان طبقات فرودست ناچارند در ازای قبول کاری یا انجام خدمتی، ضروریات زندگی خویش را تأمین کنند. توسل پیرزنان به دلالی و واسطه‌گری و خوش‌خدمتی برای شاهان و شاهزادگان و زنان و دختران شاه، آنان را با دریافت مزد و اجرت بی‌نیاز می‌کند. ابراز مکر و نیرنگ برای مقاصد مالی یکی دیگر از مصادیق بروز مکر در قصه‌هاست (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱: ۲۴۷، ۱۰۳۱، ۲۲۳۷، ۲۳۹۷).

یک نوع دیگر مکر عشوه و دلبری است و وعده تمتع و دلبری به‌منظور انتقام از مردانی است که آزار رسانده‌اند یا انتقام از والی و قاضی و نجار و شاه و وزیر... (خراسانی و دیگران، ۱۳۸۹) واژه «دلفریب» صفتی است که معمولاً به زنان نسبت می‌دهند که با زیبایی، طنز و عشوه‌گری و مشاطه‌کردن به عمد یا به سهو دل مردان را از راه به در می‌کنند و آنان را به کارهایی خلاف خواست خود وامی‌دارند. یکی از علل بروز مکر در زنان کامجویی است که به دلیل ناتوانی مرد در جلب رضایت زن، فریبکاری مرد، اختلاف طبقاتی همسران، غیبت مرد، اجبار، عشق و علاقه و مادی‌گرایی شکل می‌گیرد (جهانشاهی، ۱۳۹۴).

عوفی در سندبادنامه معتقد است که اکثر زنان برای کامیابی دست به مکر و حيله می‌زنند. تصویر زنان گاه مقدمه شروع عشقی جانسوز می‌شود که قهرمان قصه را به سفری دشوار راه می‌نماید (بهرام و گل‌اندام، سبزپری و زردپری و...). مردان برای تملک زنانی که می‌خواهند قدم در راه می‌گذارند؛ می‌جنگند، می‌کشند، فریب می‌دهند، مال و اموالشان را نثار می‌کنند. حسن قدرت‌طلبی مردانه هنجاری است که هر چه می‌خواهند را بیابند. اما زنان که باید در پشت پرده حرمسراها بمانند، اگر هوای عاشقی به سرشان بزند یا حسب اتفاق دلشان بند روی موی شاهزاده و قهرمانی شود، از آن‌جا که زور بازو ندارند باید به مدد عقل و هوش به خواسته‌شان برسند. اگرچه تلاش زنان فعال برای دستیابی به مکنونات قلبی و عاطفی، مکر و فریب قلمداد می‌شود اما مانع آنان نیست. هرچند گاهی این طنز و عشوه‌گری کنشی است منفی برای از راه به‌درکردن مردان و بیشتر جنبه هوسناکی و جنسی دارد همچنان که در مردان



می بینیم. مردان هم برای کامیابی، وصال، قدرت، شهرت و ثروت از هر ترفندی سود می‌جویند اما کمتر به سبب این ترفندها مؤاخذه می‌شوند؛ چون از نظرگاه جنسیت‌زده جامعه مردسالار، آنان ذاتاً قدرتمند و زیرک‌اند اما زن منشأ هر فتنه و آشوبی روی زمین معرفی شده و بی‌حیایی، گستاخی و از راه به‌درکردن مردان به وی نسبت داده شده است (نادری، ۱۳۹۲).

جدول دلایل ابراز مکر از سوی زنان

خانوادگی	فردی	جنسی	عاطفی	قدرت	مالی
۵	۷	۸	۸	۱	۷

حفظ زندگی خانوادگی و وفاداری به شوهر و اموال او، حفظ جان، مال و آبرو، تلاش برای ارضای غرایز جنسی، توجه به خواسته‌های قلبی و عاطفی و کامیابی در آن و رسیدن به قدرت و ثروت، انگیزه‌هایی است که زنان قدرتمند و فعال را به سمت اهدافشان هدایت می‌کند.

۳. جادو، واکنشی هوشمندانه

حضور دیوان و جادوگران یکی از بن‌مایه‌های اصلی در قصه‌های عامیانه است که گاه رنگ افسانه به خود می‌گیرد. خصوصاً قصه‌هایی که قهرمان‌محور هستند. در این قصه‌ها قهرمانان در طول مسیری که می‌پیمایند ناچار می‌شوند از خان مبارزه با دیوان و جادوان بگذرند. جادو و جادوکردن یکی از باورهای عامیانه دیرینه مردم است که مصارف متعددی از آن ذکر شده است؛ تأثیرات جادو و طلسم و افسون بر روی بیماری‌ها، جادو برای جلب محبت، ازدواج، بچه‌دار شدن و غیره که ذوالفقاری در *باورهای عامیانه مردم ایران* (۱۳۹۶) مصادیقی از آن را آورده است.

بن‌مایه جادو در قصه‌های (خاور و باختر، خاورنامه، سلیم جواهری، ملک جمشید، شاهزاده هرمز، شاهزاده شیرویه، چهار درویش، نوش‌آفرین، قهرمان قاتل، خسرو دیوزاد، چهل

طوطی و...) آمده است و در اغلب آن‌ها جادو یا جادوگر پیرزن است که با صفات منفی عجوزه، ناپاک، پتیاره، ملعونه و مکاره توصیف شده است و به دست قهرمان قصه نابود می‌شود. در کتاب‌های مقدس هم به این تصویر جادوگری زنان اشاره شده است: در ادویراف‌نامه جادوگران همه زن هستند و عنصر اغوا و فریب در دیوزنان و پریان حضوری چشم‌گیر دارد (علیجانی، ۱۳۸۸). در متون هندو تصویر زنان با این واژه‌ها آمده است: زیبایی، سرور، آواز، خوش‌لباسی، عطر، اندام‌نمایی، گفتن لاطائلات، لابلالی‌گری، اغواگری، جادوگری و بی‌وفایی (علیجانی، ۱۳۸۸). در آیین یهود هم ضعیف‌بودن، اغواگری، حسادت، گریه، منحرف‌کردن شوهر، جادوگری متمایزهایی است که در کتاب مقدس در کنار نام زن آمده است (علیجانی، ۱۳۸۹). جادوگران، پیرزنان باتجربه و مسنی هستند که قدرت و هوش خود را در جهت منافع خود به کار می‌برند که این منفعت می‌تواند اقتصادی باشد و آنان را در رفع حوائج ضروری و غیرضروری و مازاد توانا کند یا فردی باشد که در راستای محقق‌شدن خواسته‌ای جنسی یا شهوانی چون شهرت و قدرت است. انگار حرفه جادوگری برای زنان عصیانی است علیه نادیده‌گرفتن و حقیرشمردن آنان از سوی مردان زیرا «زنِ هوشیار، زنِ متفکر، زنِ سیاسی متولد نمی‌شود مگر در پوست هزار رنگِ شیطان، مگر در پوست مکاره‌ای از تبار جادوان و جادوگران. خرافه شیطان‌صفتی و مکاری زنِ هوشمند به تدریج زن را در پهنه گیتی به انزوای سیاسی کشانده است که با افسانه‌های خلقت مرتبط است» (کار، ۱۳۷۰).

ریشه عجوزه از جادوگر و عجیب‌الخلقه، زن‌دیو، روحی شرور و ترسناک و کابوس است و چهره زنانی که هویت زنانه دارند برای کسانی که از آن‌ها می‌ترسند شرور است. درحالی‌که پیرزن، نمونه توانمندی، شهامت و خردمندی است. افکار زنی که می‌خواهد توانایی‌های بالقوه خود را تحقق بخشد باید معطوف به تصویر زن سرکش باشد. اما هرگاه زنان از لاک هویت دروغین خود یعنی زنانگی دست‌پرورده مردسالاری بیرون می‌آیند، مردان با برچسب‌زدن به آنان تحت عناوین شرور و شیطانی، سعی دارند آنان را از گردونه قدرت خارج کنند (تانگ، ۱۳۹۳). ساحره‌کشی در قرن شانزدهم اروپا یکی از نمونه‌های این مبارزات زن‌ستیزانه است، اما جادوگران غیر از ویژگی‌های منفی، صفات مثبتی هم دارند:

«در ادبیات فارسی پیرزنان (عجوزان) نقش‌های گوناگونی دارند و با صفات متفاوتی وصف می‌شوند: شجاع، مبارز، متوکل، عارف، ناتوان، محتاله، دلاله و جادوگر. داستان‌هایی که درباره آنان گفته می‌شود، نشانگر دانش و آگاهی ایشان است که از تجربه و پختگی فکری در گذر سالیان عمر به دست آمده است» (مباشری، ۱۳۸۹).

برای مردان، شهوت‌رانی و کام‌جویی نه غیرعادی قلمداد می‌شود و نه منفی. دیوان در قصه‌ها شاهزادگان را می‌دزدند و آنان را در قصرهایشان زندانی می‌کنند تا به خواسته‌های مردانه‌شان تن بدهند: بهادر پسر ضحاک هر جا زن صاحب‌جمالی می‌بیند شوهرش را بیرون کرده، او را تصاحب می‌کند (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱). دیوی دختر را اسیر می‌کند تا پیر می‌شود (همان: ۱۷۴۲). دیو دختر را به هوای وصال می‌دزدد و او را زندانی می‌کند (همان: ۲۱۶۴). دیوان نوش‌آفرین را محاصره می‌کنند (همان: ۲۲۸۸). قهرمانان هر جا اراده می‌کنند با زنان نرد عشق می‌بازند (شاهزاده شیرویه). اما وقتی زنان با هدف کام‌جویی مردان را می‌طلبند، این عمل یا مکر و فتنه قلمداد می‌شود یا جادو و هرزگی. در واقع «زنان شهوت‌جوی، همان زنان سرکش اند که از خانگی شدن به دست مردان تن می‌زنند و وقتی که عواطف زن آزاد می‌شود، هیچ اخلاق مردسالارانه‌ای تاب مقاومت در برابر نیروی خروشان آن را نخواهد داشت. او آزاده‌زنی مثبت و ناب است» (تانگ، ۱۳۹۳) و دفع او تنها با تعریف او در قالب شرّ ممکن می‌شود. در کتاب *آداب مردی* عامل اصلی پرداختن زنان به مکر و خرافه و جادو مردان اند چون زنان برای حفظ آنان است که دست به فریب می‌زنند (خراسانی و دیگران، ۱۳۸۹). یکی از انواع مکر و مصادیق آن که به جادوگران نسبت داده شده است به‌کار بستن نیرنگ توسط آنان به نیت کام‌جویی و لذت است: در «شاهزاده شیرویه» جادوگر که مکاره، ملعونه، عفریته و عجوزه نامیده می‌شود، شیرویه را می‌دهد و او را به خویش می‌خواند ولی سرانجام با تیغ شاه‌رخ به دو نیم می‌شود (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱). سوسن جادو «پیرزال پتیاره مست و حرام‌زاده، آتش عشقش شعله‌ور گردیده، دیگ شهوتش به جوش آمد» و چون ملک جمشید تقاضای هوس‌انگیز او را اجابت نکرد، وی را به آهو تبدیل کرد (همان: ۲۱۰۶). یکی از تهدیدهای زنان برای طلب کام و خواسته، سپردن مردان به دست

جادوان بوده: «ای حکیم اگر درد مرا علاج نکنی تو را به دست جادوان می‌دهم تا بلایی سر تو بیاورند که مرغان هوا و ماهیان دریا به حالت گریه کنند و گرنه مرا در روزگار زن نگویند» (همان: ۱۷۷۹). گاهی هم مکر و حيله برابر با جادو آمده و پيرزنان جادوگر آن را برای رسيدن به مقاصد خود که بیشتر اقتصادی است، بکار می‌گیرند:

«ناگاه پيرزنی جادو ظاهر شد: آفت و لب زن و بلاجویی/ روی چون دیو و قلب بدخویی، پيرزالی که هر قدم می‌زد/ قدمش عالمی بهم می‌زد. به شاه گفت اگر پانصد تومان به من بدهی دختر را برایت پیدا می‌کنم. با مکر و حيله آنها را پیدا کرد و به شاه خیر داد» (همان: ۱۳۷۸).

۴. زنان و تدبیر؛ حفظ هویت و مدیریت اندرونی

در دوره قاجار زنان بیشتر متعلق به دنیای اندرونی بودند. نقش آنان در جامعه بسیار کم‌رنگ و ناچیز بود (عاملی رضایی، ۱۳۸۹). در واقع هویت زن در فضای خصوصی و اندرونی تعریف می‌شد و نقش اصلی زن سنتی خانه‌داری بود (نادری، ۱۳۹۳). بنابراین زنان بیشتر در همان حوزه فعالیت خویش یعنی گستره اندرونی فعال بودند و تلاش می‌کردند آن هویت اندک خویش را حفظ کنند. زنان در قصه‌ها درایت و تدبیر خویش را در قلمرو اقتدار نسبی خویش، در خانه یا قصر، به کار می‌گیرند تا این اندک سهم خود را از زندگی پاس بدارند. گریز از ازدواج اجباری، تلاش برای وصال دلخواه و حفظ جان و مال و آبروی خود و خانواده، استخدام زنان مسن در هیئت دایه، کنیز و میانجی، همه در راستای مدیریت حیطه اندرونی شخصی زنان است که به بیان مردانه با «اسلحه ضعفا» یعنی مکر و حيله حفظ شده است (میلز، ۱۳۹۱).

آن‌جا که زنان ناچار به واکنش در برابر اجتماع و حوزه عمل مردانه می‌شوند، زمانی است که مردان به آنان طمع کرده و سعی دارند آنان را به زور تصاحب کنند. این جاست که زنان وارد عمل شده و با زیرکی و چالاکی از بند دام‌های مردان می‌رهند. در جواهرالعقول، چهاردرویش، خاورنامه و نوش‌آفرین، مقاومت زنان در برابر ازدواج اجباری و تلاش برای رسیدن به موقعیت دلخواه نمایان شده است.

۵. مکارگی: صفتی جنسیت‌زده

عقاید خرافی و تحقیرآمیز درباره زنان از سوی جامعه مردسالار مسئله‌ای رایج و فراگیر است؛ در بیشتر این جوامع لیستی از صفات کلیشه‌ای موجود است که تمام صفات خوب را به مرد و صفات بد را به زن نسبت می‌دهد؛ مانند مرد مستقل، شجاع، فعال، خلاق و باهوش و زن هیستریک، خائن، پرحرف، مکار، عشوه‌گر، منفعل، نوازشگر و غریزی (بدانتر، ۱۳۹۷). زبان مردانه یا زبان جنسیتی (Genderlect) زبانی است حاکم بر این عصر که با تلقین تشبیهات و استعارات جنس‌گرا طرد و تحقیر زن را رواج می‌دهد و او را شیطان، لانه فساد، انبان مکر، عروس هزار داماد و پست معرفی می‌کند (حجازی، ۱۳۹۲).

درواقع مردان، مکارگی را صفت ذاتی برای زن انگاشته‌اند چنان‌که در «خسرو دیوزاد» مظفرشاه می‌گوید: «من به عبث دخترها را نمی‌کشم بلکه من ذات آن‌ها را می‌شناسم؛ زن مکار است و باید کشته شود» (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱). این توجیه منطقی مردان، برای ستم به زنان است. درواقع «روحیه نقدطلبی، موقعیت‌سنجی، حواس‌جمعی و حُسن استفاده از عواطف برای پیشبرد مقاصد از علم سیاست است که برای مردان سیاستمداری و برای زنان مکاری بیان می‌شود» (حجازی، ۱۳۹۵). صفت مکاره در کنار مکمل‌های منفی مانند «بدکاره»، «ملعونه»، «غداره»، «حیله‌گر»، «عجوزه» و «ناپاک» در داستان‌ها به‌کار رفته است (همان: ۲۱۷، ۱۴۶۱، ۱۵۵۲، ۱۶۵۹، ۱۷۴۳)؛ اما درباره مردان این صفت با احتیاط بیشتر و بسیار به‌ندرت استفاده می‌شود مثلاً در قصه «مرد لُر و رندان»، مرد اصفهانی را مردی «رند و مکار» معرفی می‌کند. کاربرد واژه «رند» در مفهوم هوشمندی و زیرکی، مفهومی مثبت را به ذهن متبادر می‌کند (همان: ۵۵۱). در «قهرمان قاتل»، «نیرنگ» نام یکی از پریان است که به سبب «فکر و تدبیری» که دارد به مشکل شاه پی می‌برد (همان: ۱۸۹۰).

البته این نوع نگاه زن‌ستیزانه، خاص مردان نیست بلکه زنان هم چنین دیدگاهی را درباره هم‌جنسان خود پذیرفته‌اند و یکدیگر را به این صفت خطاب می‌کنند؛ خاله سوسکه در عزای آقا موشه شعری می‌خواند و به کنایه سوگواری دختران را در مرگ پدر خاطر نشان می‌کند: نظر کن دختران حق‌بازت، که انصافاً نمودند سرفرازت (همان: ۲۸۸). در متون اخلاقی و تعلیمی

کلاسیک همواره به گریز از مکر و فتنه زن توصیه شده است:

روح را از عرش آرد در حطیم
لاجرم کید زنان باشد عظیم (مولانا)
زنِ جادوست جهان من نخرم زرقش
زن بود آن‌که مر او را بفریبد زن (ناصرخسرو)
حمله با شیر مرد همراهست
حیله‌کار است زن و رویاه است (سنائی)
و ضرب‌المثل‌هایی که با موضوع مکر زن باقی مانده است:
درخت مکر زن صد ریشه داره
فلک از دست زن اندیشه داره
مکر زنان بار خر است (مکر زنان خر نکشد).

مکر زن ابلیس دید و بر زمین بینی کشید. (به نقل از حجازی، ۱۳۹۵).

در «رند و زاهد»، زاهد در نصیحت رند می‌گوید که زنان، مخاطره و بلا و فتنه‌اند با جهل و زیبایی و عشوه‌گری می‌توانند سبب انحراف و گرفتاری شوند پس بهتر است از آنان حذر کنی. مکر در اینجا منفی است:

«آدمی را در طول عمر چهار مخاطره پیش آید: یکی از دست زنان ناقص عقل و جاهل. دوم زنان صاحب‌حسن به واسطه قصه نظربازان زناپیشه و حیله صاحب‌مذاقان خطاندیشه یا به دروغ‌های راست‌مانند، چه حیله‌ها بازند و او را به رنگ دوستی چگونه دشمن‌کام سازند. سیم: غرور جوانی که به واسطه عشق صاحب‌حسنان دل‌ریا و فریب‌عشوه‌نمایان بی‌پروا. آیا به جلوه کدام سهی رفتار، بی‌قرار و به غمزۀ کدام خونخوار، گرفتار گردد» (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱).

در ماجرای «عروسی کردن بهلول» وقتی شخصی از بهلول می‌پرسد که چرا تن به ازدواج نمی‌دهد، وی ضمن شمردن صفات منفی زنان دلایل خود را بیان می‌کند. او زن را دایه مکر و عناد و مادر تزویر و فن، اژدهای صدهن، مادر شیطان و منبع شر و فساد خطاب می‌کند و با این‌همه می‌گوید: گرنبودی خوفم از مکر زنان، بیش از این می‌گفتم از احوالشان (همان: ۵۲۱). در مثنوی اخلاقی و تعلیمی «نان و سرکه» هم بیشتر فتنه‌ها و مفسده‌ها را به زن نسبت می‌دهد (همان: ۷۳۴). تشبیه دنیا به پیرزن عجوزه و مکار نیز جزو تشبیهات رایج در قصه‌هاست



(همان: ۱۵۸-۱۶۴).

جمع‌بندی مصادیق مکر در داستان‌ها و نتایج آن

ردیف	داستان	فریب‌دهنده	فریب‌خورنده	علت	کنش/واکنش	حوزه	نتیجه
۱	جواهرالعقول	دخترشاه	داماد اجباری	عشق	واکنش مثبت	درونی	موفق
۲	جواهرالعقول	دخترشاه	مردکشنیان	جان و آبرو	واکنش مثبت	بیرونی	موفق
۳	جواهرالعقول	دخترشاه	پادشاه طماع	وفاداری	واکنش مثبت	درونی	موفق
۴	جواهرالعقول	زن	مرد ساده	جنسی	کنش منفی	بیرونی	موفق
۵	جواهرالعقول	زن	شوهر	آبرو	واکنش مثبت	درونی	موفق
۶	جواهرالعقول	مردشیخ	مریدان	شهرت و قدرت	کنش منفی	بیرونی	موفق
۷	جواهرالعقول	مرد معلم	مردم	ثروت	کنش منفی	بیرونی	موفق
۸	جواهرالعقول	مرد	زن کنیز	جنسی	کنش منفی	درونی	ناموفق
۹	جواهرالعقول	مرد	مرد	جان دیگری	واکنش مثبت	بیرونی	موفق
۱۰	چهاردریش	زن	مردان دزد	جان	واکنش مثبت	بیرونی	موفق
۱۱	چهاردریش	زن	مرد	جنسی	کنش منفی	بیرونی	موفق
۱۲	چهل طوطی	پیرزن	زن و مرد	مالی	کنش منفی	درونی	ناموفق
۱۳	چهل طوطی	پیرزن	زن و مرد	مالی	کنش منفی	درونی	موفق
۱۴	چهل طوطی	مرد	مرد	شهرت و قدرت	کنش منفی	درونی	ناموفق
۱۵	حسنین	پیرزن	مرد	مالی	کنش منفی	بیرونی	موفق
۱۶	حیدریگ	زن	مرد	مالی	واکنش مثبت	درونی	موفق
۱۷	خاور و	زن	زن	حسادت	واکنش منفی	درونی	موفق

باختر						
۱۸	خاورنامه	زن	مرد	حفظ جان	واکنشی مثبت	بیرونی موفق
۱۹	خسرو دیوزاد	زن	مرد	جنسی	واکنش منفی	درونی موفق
۲۰	دزد و قاضی	زن	مرد دزد	حفظ مال	واکنش مثبت	درونی موفق
۲۱	دله و مختار	زن	مردان	مالی	کنش منفی	بیرونی موفق
۲۲	رند و زاهد	زن	مرد	جنسی	کنش منفی	بیرونی موفق
۲۳	شیرویه	زن	مرد	جنسی	کنش منفی	بیرونی موفق
۲۴	شیرویه	مرد	مرد	قدرت	کنش منفی	درونی موفق
۲۵	شیرویه	مرد	مرد	مال و جان	واکنش مثبت	بیرونی موفق
۲۶	شیرویه	مرد	زنان	مالی	واکنش	موفق
۲۷	ملک جمشید	پیرزن	مرد	جنسی	کنش منفی	درونی ناموفق
۲۸	نجمای شیرازی	زن	زن	مالی	کنش منفی	درونی ناموفق
۲۹	نوش آفرین	زن	مردان	حفظ جان	واکنشی مثبت	درونی بیرونی موفق
۳۰	نه تونه اون...	زن	مرد	مال و جان	واکنشی مثبت	درونی موفق
۳۱	جبرئیل جولا	مرد	مرد	عشق	واکنش منفی	بیرونی موفق
۳۲	جبرئیل جولا	مرد	زن	هوس	کنش منفی	درونی موفق
۳۳	سالم	زن	مرد	-	کنش منفی	درونی موفق

جواهری						
۳۴	چارپری	زن کنیز	زن ارباب	مالی	کنش منفی	درونی موفق
۳۵	چارپری	زن ارباب	زرگر مرد	جنسی	کنش منفی	بیرونی موفق

همان‌طور که ملاحظه می‌شود خوانش مردمحورانه (راویان مرد یا راویان زن مردپسند) زنان را در جایگاه فریب‌کاران و مردان را ساده‌لوح و فریب‌خورنده قرار داده است. البته نتایج کار زنان موفقیت‌آمیز است. زنان نیرنگ‌باز شایسته در حیطه‌های اندرونی و گاه بیرونی در نقشی فعال ظاهر می‌شوند و روند داستان را در راستای اهداف خود پیش می‌برند تا آن‌جا که گاهی شخصیت محوری داستان هستند (دله و مختار، چارپری، نوش‌آفرین). دلایل چاره‌گری زنان در واکنش‌هایی چون حفظ جان و مال و آبرو، وفاداری و عشق، حفظ خانواده و کنش‌های فردی و جنسی و مالی تعریف می‌شود. برخلاف تصور مردسالارانه زن منفعل، زنان در قصه‌ها با نقشی فعال و موفق ظاهر می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

بازتاب زنان در قصه‌های مکتب‌خانه‌ای عصر قاجار به‌عنوان سندی مردمی که نمایانگر اعتقاد عامه مردم است، بازتابی مردمحورانه و در برخی جاها زن‌ستیزانه است. مردان از هوش و خردمندی زنان در واکنش به حفظ حقوق طبیعی خویش روایت‌هایی ارائه داده‌اند که کمترین نقش سیاسی زنان یعنی قدرت تصمیم‌گیری و به‌کارگیری هوش و تدبیر را منفی تلقی می‌کند. در جامعه پدرسالاری مرد نمی‌تواند الهه مادر را حذف کند و نادیده بگیرد اما سعی می‌کند تصویری منفی و غیرواقعی از او نشان دهد. راوی مردپسند با تأکید و تأیید افسانه مکر حوا و زلیخا، زن شرور و شیطان‌صفت را وارد داستان‌های شفاهی می‌کند.

همین طرز نگرش زن‌ستیزانه، هوش و خرد زن را تعبیر به مکر و فریب کرده و با برچسب‌زدن مکر به زنان آنان را فریب‌کار و مردان را فریب‌خورنده جلوه می‌دهد. مردانی که از همان شیوه‌های دروغ و افسون و نیرنگ بهره می‌جویند، رند و زیرک معرفی می‌شوند. اگر نه

آنان را ملقب به صفات زنان کرده و شماتت می‌کنند.

«مکر»، در ادبیات عامیانه صفتی منفی و زنانه است که خوانش مردانه آن را به زور به ذات زن می‌چسباند. وی زن مستوره ملعونه مکاره را می‌آفریند و چادر مکارگی و موزه حیل را بر قامت وی می‌پوشاند. تشبیه دنیا به پیرزن عجزه بی‌وفا و مکار و زن را مرجع مفسده و بلا دانستن نتیجه این نوع نگرش است. جادوگران و عجزه‌ها گروهی از زنان با تجربه و ماهر هستند که مردان با نسبت دادن جادوگری و شرارت به آنان در روایات، سعی دارند آنان را از گردونه قدرت خارج کنند.

بازاندیشی و بازخوانی روایت‌هایی که حول محور مکاری زنان پرداخته شده‌اند، به ما نشان می‌دهد که زنان علی‌رغم خواست مردان در جامعه مردسالار سکوت نمی‌کنند و هر ظلم و ستمی را نمی‌پذیرند بلکه فعالانه تلاش می‌کنند تا هم زنده بمانند و هم حق خود را از زندگی بستانند. تلاش آنان در قالب کنش‌ها و واکنش‌هایی برای پاسداشت جان، مال، آبرو، عشق، شوهر و مقام به پیروزی منتهی می‌شود.

بیشترین فعالیت زنان مطابق با الگوی زنان سنتی عصر قاجار، در فضای اندرونی (خانه یا قصر) است. فعالیت‌هایی که خارج از گستره خانگی انجام گرفته است، اغلب واکنشی در برابر کنشی مردانه است یا برای رفع نیازهای اقتصادی و مالی که آنان را بیشتر در جایگاه پیرزنان جادو و دلالان و میانجی‌گران قرار می‌دهد.

این یافته‌ها نشان می‌دهد ادبیات عامیانه مکتب‌خانه‌ای در فضایی مردم‌محور و زن‌ستیز پرورده شده است. زنان در این فضا اگرچه فعال هستند اما فعالیت آنان منفی تلقی شده است. هوشمندی به‌عنوان یک توانایی یکسان در زنان و مردان بروز داده نشده است. زیرکی برای مردان مثبت و برای زنان منفی و در قالب واژه «مکر» معرفی می‌شود. از آنجا که روایت‌های عامیانه، تأثیر غیرقابل انکار و ماندنی بر ذهن مکتب‌رفته‌های قدیمی و انتقال آن اندیشه‌ها به نسل جدید دارند، خوانش دوباره قصه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های هویت ملی با رویکردی برابر نسبت به مردان و زنان می‌تواند راه‌گشای فصل جدیدی در قصه‌نویسی و روایت‌پردازی با حقوق برابر انسانی و بدون کلیشه‌های رایج جنسیتی باشد.

منابع

- ابراهیمی، شایسته. (۱۳۸۸). چاره‌گری زنانه در هزارویک‌شب. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۴، ۱۲۵-۱۳۵.
- تانگ، الیزابت. (۱۳۹۷). شباهت‌های دو جنس (از ظهور مدرسالاری تا سقوط پدرسالاری رابطه بین مردان و زنان). ترجمه افسانه وارسته‌فر. تهران: اختران.
- تانگ، رزماری. (۱۳۹۳). نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی. ترجمه منیژه نجم‌عراقی. تهران: نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۸۹)
- جهانشاهی‌افشار، علی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی ویژگی‌های زنان در «دکامرون» با «سندبادنامه» و «کلیله و دمنه». ادبیات تطبیقی. ۱۳، ۳۳-۵۸.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۹۲). تاریخ هیچکس (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر افشاریه و زندیه). تهران: قصیده‌سرا.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۹۲). ضعیفه (بررسی جایگاه زن در عصر صفوی). تهران: قصیده‌سرا.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۹۵). زن در مثل (امثال و حکم مربوط به زنان در زبان فارسی). تهران: فرزانه.
- خراسانی، محبوبه؛ مزدپور، کتابون و ذنوبی، طیبه. (۱۳۸۹). تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک شب. پژوهش‌های ادبی، ۲۹ و ۳۰، ۹-۳۰.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). باورهای عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۷). ادبیات داستانی عامه. تهران: خاموش.
- ذوالفقاری، حسن؛ حیدری، محبوبه. (۱۳۹۱). ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران. تهران: رشدآوران.
- سجادی، سیدمحمدعلی و حسنی جلیلیان، محمدرضا. (۱۳۸۷). زن و هبوط: چگونگی رواج باورهای ناروا در مورد زنان در برخی از متون ادب فارسی. پژوهش‌نامه علوم انسانی، ۵۷، ۱۶۱-۱۸۶.
- سفیری، خدیجه و منصوریان راوندی، فاطمه. (۱۳۹۴). کلیشه‌های جنسیتی و سلامت اجتماعی. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. ۱۳(۲)، ۳۷-۶۶.

عاملی رضایی، مریم. (۱۳۸۹). *سفر دانه به گل (سیر و تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار)*. تهران: نشر تاریخ ایران.

کار، مهرانگیز. (۱۳۷۰). *فرشته عدالت و پاره‌های دوزخ (گزیده مقالات)*. تهران: روشنگران.

کدیور، پریسا. (۱۳۹۶). *پرده‌نشینان عهد ناصری*. تهران: گل آذین.

کریم‌زاده اصفهانی، اکرم و وره‌رام، لیلا. (۱۳۹۵). تحلیل داستان مکر سه زن مکار با قاضی و شحنه و محتسب از منظر تحلیل گفتمان انتقادی. *تحقیقات تاریخ اجتماعی*. ۶(۱)، ۱۲۵-۱۴۶.

مباشری، محبوبه. (۱۳۸۹). بررسی سیمای عجزوزه در ادب فارسی. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. ۸(۳)، ۵۹-۸۶.

مزدایور، کتایون. (۱۳۸۹). *روایتی دیگر از داستان دلیله محتاله و مکر زن*. تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.

میلز، مارگارت. (۱۳۹۱). *مکر زنان و راویان مرد*. ترجمه لاله خسروی. فرهنگ مردم. ۴۳ و ۴۴، ۱۱۵-۱۳۹.

نادری، سارا. (۱۳۹۳). *درآمدی بر روایت زنانه از شهر (کاوشی نظری در خوانش تجربه‌های زنانه از شهر)*. چاپ دوم. تهران: تیسرا.

Ameli Rezaei, M. (2010). *The journey of seed to Flowers (investigative evolution of the position of Women in Qajar Era Prose)*. Tehran: Iran History Publication. [Text in Persian]

Badinter, E. (1986). *Des relations entre hommes et femmes. The Similarity between the two sexes (the emergence of matriarchy to the fall of patriarchy, the relationship between men and women)*. Translated by Afsane Varaste far. Tehran: Akhtaran (2017). [Text in Persian]

Chafetz, J. S. (1988). *Feminist sociology: An Overview of Comtemporary Theories*. Itasca-Illinois.

Ebrahimi, Sh. (2009). The women's cunning in Hezar-O-Yekshab stories. *Journal of stylistic of persian poem and prose (Bahar-E-Adab)*, 2(4), 125 - 135. [Text in Persian]

Elisabeth Badenter (2018). *Simailarities of Two Sexes (From Emergence of Matriarchy to collapse of Pathriarchy of men and women relationship)*, Translated by Afsaneh Varastefar, Tehran, Rasekhun.



- Hejazi, B. (2013). *The NO-ONE'S HISTORY (The Study of Women's Seat in the Afshar and Zandye's Age)*. Tehran: Ghasidehsara. [Text in Persian]
- Hejazi, B. (2013). *ZAIFEH (A Weak sex); A study concerning the place of Iranian Woman in the Age of Safavi*. Tehran: Ghasidehsara. [Text in Persian]
- Hejazi, B. (2017). *Women in Proverbs*. Tehran: Farzan. [Text in Persian]
- Jahanshahiafshar, a. (2016). comparative study of women characters in "Decameron" and "Sindbad" and "Panchatantra". *Scientific Journal Management System*, 7(13), 33-58. doi:10.22103/jcl.2016.1279. [Text in Persian]
- Kadivar, P. (2017). *Screenwriters of the Nasseri Era*. Tehran: Gol-Azin. [Text in Persian]
- Kar, M. (1991). *The Angel of Justice and the fragment of Hell (Selected Articles)*, Tehran: Roshangaran. [Text in Persian]
- Karimzadeh Esfahani, A., & Verhram, L. (2016). Analysis of the tricking story of three cunning women with judge, (shahne and Mohtasab) from the perspective of critical discourse analysis. *Social History Research*, 1, 125-146. [Text in Persian]
- Khorasani, M. & Mazdapou, K. & Zenubi, T. (2011). A Structural analysis of deceit and trick of women in A Thousand and One Nights' Stories. (2011). *Literary Research*, 7(29), 9-30. [Text in Persian]
- Mazdapoor K. (2010). *Another tale from the story of Dalileh Mohtaleh and woman cunning*. Tehran: Roshangaran Publishing and Women's Studies. [Text in Persian]
- Mills, M. (2012). *The Cunning of Women and Men's Narrators*. translated by Laleh Khosravi. *people culture*, 43 & 44, 115-139. [Text in Persian]
- Mobasheri, M. (2010). The image of old woman in persian literature. *Quarterly Journal of Women' s Studies Sociological and Psychologica*, 3, 59-86. [Text in Persian]
- Naderi, S. (2014). *An Introduction to the Female Narrative of the City (Theoretical Exploration in Reading Women's Experiences from the City)*. Second Edition. Tehran: Tisa. [Text in Persian]
- Safiri, K., & Mansoirian Ravandi, F. (2015). Gender Clichés and Social Health: a Study on Men and Women from Tehran. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 13(2), 37-66. doi:10.22051/jwsps.2015.2049 [Text in Persian]
- Sajjadi, S. M., & Hassani Jalilian, M. R. (2008). Women and descent, how to prevent unfaithful beliefs about women in some persian literary texts. *Journal Of Human Sciences*, 57, 161-186. [Text in Persian]
- Tong, R. (2014). *Feminist thought a comprehensive introduction, Rosemary; Review: A comprehensive introduction on feminist theories*. Translated by Manijeh Najm Iraqi. Tehran: Ney (2008). [Text in Persian]
- Zolfaqari, H. & Heydari, M. (2012). *School's Literature of Iran*. Tehran: Roshdavarar. [Text in Persian]

- Zolfaqari, H. (2015). *Popular beliefs of the Iranian people*. Tehran: Cheshmeh. [Text in Persian]
- Zolfaqari, H. (2018). *Popular Fiction*. Tehran: khamoosh. [Text in Persian]





نویسندگان

homa009@yahoo.com

دکتر هما زنجانی‌زاده

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. ایشان دارای تالیفات، ترجمه‌ها و مقاله‌های فراوانی در حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات زنان و فمینیسم هستند.

fhz.17757@gmail.com

فهیمة حسین‌زاوه

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد. سوابق و فعالیت ایشان عمدتاً در زمینه ادبیات عامیانه و جامعه‌شناسی زنان است.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



***Sociological analysis of Women Craftiness (Slyness) in
the Persian Folk Tales of the Qajar Era: Based on
Maktabkahneh Literature Book***

Homa Zanjani Zadeh¹
Fahime Hossein Zaveh^{2*}

Abstract

The present study aimed to desexualize the craftiness from patriarchal narratives of women's insight and consideration. This study is designed based on the "Maktabkahneh Literature Book", a collection of 70 Persian Folk Tales of the Qajar Era, which reflects the intellecto-cultural discourse of this period. To do this, 22 stories in which the term "trick" has the most frequency were selected. The researchers tended to know why women are more often the target of these sorts of parochial phrasing, and why women themselves acknowledge such a patriarchal terminology and apply it for other women. The present study uses content analysis technique base on sociological theories. The results of the study reveals that patriarchal and anti-semitic reading interprets women natural activities as tricky or deceitful behavior while male guiles considered talent.

Keywords

Women's Intelligence, Maktabkhane Literature Book, Qajar

¹ . Associate Professor, Department of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad

² . Ph. D, Student of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad.

* Corresponding author: fhz.17757@gmail.com

Submit Date: 2020.03.06 Accept Date: 2020.05.21

DOI: 10.22051/JWSPS.2020.30595.2180